



فصل دهم

مدل حرکتی

بشارت های الهی

مدل حرکتی:

در این روش سخنران ابتدا مخاطب را سوار بر مرکب اعتقادات و باورها نموده تا از ابتدای راه محکم و استوار و بدون تردید گام در مسیر نهد و سپس به بایدها و نبایدها و جایگاه فقهی موضوع مورد بحث می پردازد تا مخاطب به بی راهه و کج راهه کشیده نشود و در نهایت برای رسیدن به مقصد؛ به بیان ارزش ها و ضد ارزش ها پیرامون آن موضوع می پردازد.

عنوان: بشارت های الهی

اهمیت طرح بحث:

دنیا همیشه برای کسانی که تکیه گاهی ندارند، جای دلپره آوری است. این دسته از انسان ها دائماً در حال اضطراب و ترس به سر می برند. در حالی که اولیاء خدا و کسانی که خدا را به خوبی شناخته اند، چنین کابوسی را تجربه نمی کنند. به همین خاطر لازم دیدیم بر اساس نگاه به آرامشی که در امام حسین علیه السلام و

یاران پاکش، در بدترین و سخت‌ترین شرایط ممکن وجود داشت، بارمزگشایی ازاین موهبت و نعمت گران‌سنگ و عمل به آن، ما نیز از آن بهره‌مند شویم و دردهای امروز جامعه‌مان را با آن التیام بخشیم و دیگر در مواجهه با مشکلات و سختی‌ها، احساس ضعف و ناتوانی نکنیم.

مبدأ

بر اساس مدل حرکتی ابتدا مخاطب را در بین دوراهی قرار می‌دهیم:

* آیا کسی هست که بتواند همه دردهای من را درمان کند؟

* آیا کسی هست که بتواند من را به همه آرزوهایم برساند؟

* اگر با خدا باشم، آینده‌ام تضمین شده است؟

* آیا خدا تنهاترین کسی است که می‌توانم به او تکیه کنم یا

خواسته‌هایم را می‌توانم در جای دیگر نیز پیدا کنم؟

* آیا مدعیان دیگری در زمینه‌ی رساندن انسان‌ها به آرزوها و

رفع مشکلات و نگرانی‌ها وجود دارند که به آن‌ها مراجعه کنم؟

* چه ایرادی دارد، اگر برای رفع برخی از نیازها به دیگران مراجعه کنیم؟

* اگر عاقلانه و منصفانه بخواهیم به سؤالات بالا نگاه کنیم

مهم‌ترین چیزی که برای ما مهم است این است که کسی به ما

ضمانت بدهد که به خواسته‌های خود برسیم و ضرری به ما نرسد.

هر کس که می‌خواهد باشد. خدا یا غیر خدا! برای پاسخ دادن به

این سؤال‌ها، می‌بایست وعده‌های خداوند را با وعده‌های دیگران

مقایسه کرد تا دریابیم کدام یک شایسته اعتمادند؟

تقابل وعده الهی و غیر الهی:

یزید و کارگزارانش علیهم اللعنه (در حالی که در جایگاه خلافت بودند و امکانات و ثروت فراوانی در اختیار داشتند) وعده‌های زیادی به اطرافیان شان دادند؛ مانند وعده پول و منصب و جایگاه. یکی از آن وعده‌های مشهور در تاریخ، وعده مُلک ری به عمر سعد بود که هیچ‌گاه به آن نرسید. وعده محو کردن نام اهل بیت پیامبر علیهم صلوات الله و عزت بنی امیه نیز جزو کثیف‌ترین انتظارات آن‌ها از جنگ با اباعبدالله ﷺ بود که آن‌هم محقق نگردید.

در مقابل، امام حسین ﷺ با امکانات کم و یاران اندک، وعده عزت و سربلندی دین و پیروزی مظلوم بر ظالم را دادند که هر ناظر منصفی حکم به تحقق آن می‌دهد.

دلیل اینکه وعده و وعید یزیدیان اعتبار ندارد و وعده و وعید حسینیان دارای ضمانت می‌باشد، این است که وعده‌های حسینی خاستگاهش قدرت، علم و محبت و رحمت الهی است و خدا با خداوندی‌اش ضامن اجرای آن است.^۱ به همین دلیل است که اباعبدالله ﷺ وعده‌ای از طرف شخص خود به کسی نمی‌دهد مگر اینکه خداوند آن را تأیید کرده باشد. ولی وعده‌های یزیدی منشأ و انتهایش به یزید و یزیدیان با همه ناتوانی و کوچکی و فقرشان^۲ ختم می‌شود؛ لذاست که وعده‌هایشان ناتمام و وعیدهایشان نیز بدون پشتوانه است.^۳

چون خداوند، قادر، عالم و رحمان و رحیم است، وعده و وعیدش دارای پشتوانه محکم است. پیامبران و امامان صلوات الله

علیهم اجمعین نیز به واسطه همین ضمانت الهی و تکیه بر این ضامن مقتدر است که وعده و وعید الهی را بدون کوچک‌ترین تزلزلی برای مردم تکرار می‌کنند^۴ و خودشان نیز به آن ایمان دارند؛ مانند داستان حضرت ابراهیم علی نبینا و علی آله و علیه السلام زمانی که قرار بود توسط منجنیق به دریایی از آتش پرتاب شود، فرشته وحی بر او نازل شد و گفت: اگر بخواهی کمکت می‌کنم. حضرت ابراهیم علیه السلام کمک او را رد کرد. تنها تکیه حضرت به پروردگار عالمیان و بینای احوال‌بندگان است. او می‌داند که خدا حتماً بر اساس وعده‌اش، کسانی که او و دینش را یاری کنند، یاری خواهد کرد و از بلا حفظ می‌کند. ابراهیم علیه السلام به خدا تکیه کرد و خدا نیز او را بر اساس وعده‌اش یاری نمود و آتش سوزان را به گلستانی برایش تبدیل کرد.^۵

اما در طرف مقابل، شیطان این‌گونه از پذیرش مسئولیت وعده‌ها و وسوسه‌های^۶ زینت شده‌اش^۷، شانه خالی می‌کند:

«وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقِّ وَ وَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلَا تُلْمُوا أَنْفُسَكُمْ.»^۸

و شیطان، هنگامی که کار تمام می‌شود، می‌گوید: «خداوند به شما وعده حق داد و من به شما وعده (باطل) دادم، و تخلف کردم! من بر شما تسلطی نداشتم، جز اینکه دعوتتان کردم و شما دعوت مرا پذیرفتید! بنا بر این، مرا سرزنش نکنید خود را سرزنش کنید! نه من فریادرس شما هستم، و نه شما فریادرس من! من نسبت به شرک شما درباره خود، که از

قبل داشتید، (و اطاعت مرا هم‌ردیف اطاعت خدا قرار دادید) بیزار و کافر! «مسلمانان ستمکاران عذاب دردناکی دارند.

مثال:

وعده‌های شیطان مانند خبرهای چوپان دروغ‌گو است که انسان عاقل به وعده‌ها و خبرهایش اعتماد نمی‌کند. حال که فهمیدیم وعده‌های هیچ‌کس به غیر از خدا دارای ضمانت اجرایی محکم نیست. می‌خواهیم بدانیم چگونه می‌توان به چیزهایی که خدا وعده داده رسید؟

مسیر

برای بهره‌مندی از وعده الهی:

◀ باید‌ها: (بر اساس محتوای سوره عصر)

۱. ایمان (به علم، قدرت و محبت خدا)

تا کسی در درون خود، از تحقق بلاشک وعده‌های الهی مطمئن نباشد، نمی‌تواند بهره کامل را از وعده‌های الهی ببرد. مثلاً کسی که به وعده الهی در مورد غنی شدن و بی‌نیازی در صورت ازدواج که خداوند در قرآن^۱ فرموده است، ایمان نداشته باشد، اقدام به ازدواج نمی‌کند و در نتیجه از بی‌نیازی‌ای که خدا وعده داده است، بهره‌مند نمی‌شود.

۲. عمل صالح (بر اساس برنامه الهی)

کسی که می‌خواهد، از ثمرات وعده‌های الهی حظ ببرد، باید رفتارش بر اساس دستورات دین باشد. مثلاً کسی که دوست

دارد، از برکتی که خدا به کسب و کار مؤمنان می‌دهد، استفاده کند و این برکت شامل حال او نیز بشود، باید در کسب و کارش انصاف را رعایت کند و آداب گفته شده در این زمینه را مراعات نماید. ناگفته معلوم است که اگر این شرایط را رعایت نکند، هیچ‌گاه از برکت در کسب و کار برخوردار نخواهد بود.

۳. مراقبت (تواصوا بالحق) و استقامت (تواصوا بالصبر)

مراقبت از حق و دفاع از آن در حیطه کاری هر فرد و استقامت کردن در مسیر عمل کردن به آن، از جمله کارهایی است که برای دریافت امداد الهی و کسب وعده‌های الهی مورد نیاز است.^{۱۰} مثل کسی که رعایت حلال و حرام را در سختی‌ها و مشکلات زندگی می‌کند و در برابر گناه و معصیت و سختی اطاعت پروردگار صبر و استقامت از خود نشان می‌دهد؛ این فرد می‌تواند منتظر تحقق وعده الهی باشد.

◀ نبايدها:

۱. ظاهريني به خاطر تشخيص ندادن مصلحت

در بسیاری از موارد، مؤمنان بعد از اینکه به دستورات دین عمل کردند، انتظار دارند، به صورتی که خودشان تمایل دارند آن وعده محقق شود. مثلاً کسی در زندگی‌اش تقوی را رعایت می‌کند و از جهتی از مشکلات مالی شدیدی نیز رنج می‌برد. او بر اساس وعده خداوند^{۱۱} انتظار دارد، کسب و کارش رونق بگیرد و بدین وسیله مشکل مالی‌اش رفع شود، در صورتی که خداوند

برای تحقق وعده‌اش، راه دیگری را که به صلاح اوست در نظر دارد. به همین دلیل ظاهربینی و ندانستن مصلحت موجب می‌شود، فرد مورد نظر نسبت به وعده الهی، سوءظن پیدا کند.^{۱۳}

۲. عجله کردن

انسان معمولاً چون علم به خیلی از مصالح و مفاسد ندارد، احساس می‌کند که بهترین زمان برای تحقق وعده الهی همین زمان است، در صورتی که براساس نگاه جامع پروردگار، چنین عجله‌ای به مصلحتش نیست. مثل کسی که به تکالیف دینی‌اش در رعایت عفت و حیا کوشا بوده و کسی که به خواستگاری‌اش آمده نیز از این جهت دارای کمالات است. او از خداوند که وعده داده «الطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ»^{۱۴} انتظار دارد این ازدواج سر بگیرد ولی به دلیلی به هم می‌خورد. به همین دلیل از وعده خدا ناامید می‌شود. بعد از مدتی خبر می‌رسد که خواستگار سابق در یک سانحه رانندگی از دنیا رفت! اینجاست که می‌فهمد، اگر با او ازدواج می‌کرد، الآن باید عزادار می‌بود. به همین دلیل به خاطر عجله‌ای که کرده بود، خود را ملامت می‌کند و دوباره به خداوند می‌گوید: هر وقت تو صلاح دانستی، شرایط ازدواجم را فراهم کن.

۳. یاس و ناامیدی

نداشتن ایمان کافی و عدم بصیرت در فهم شیوه تحقق وعده‌های الهی، موجب می‌شود تا انتظارات بی‌حد و حصری از

خداوند در درون برخی از انسان‌ها شکل بگیرد. برآورده نشدن این انتظارات نابجا، موجب یاس و ناامیدی او می‌شود و به این نتیجه می‌رسد که وعده‌های الهی محقق نمی‌شود و در این مدت خودش را بدون حاصل، معطل کرده است.

چه بسیارند کسانی که به دستورات عبادی‌ای که در کتب حدیثی در مورد خواندن فلان سوره یا گفتن فلان ذکر و انجام فلان عمل عبادی خاص وارد شده است، عمل می‌کنند و بدون اینکه دیگر زمینه‌های اجابت دعای خود را فراهم کرده باشند، منتظر استجابت دعایشان هستند. فرض کنید کسی لقمه‌اش از حرام باشد، ولی برای رسیدن به حاجت خود عمل عبادی خاصی را انجام دهد. بدیهی است تا او مانعی که بر سر راه دارد، مرتفع نسازد، دعایش مستجاب نخواهد شد.^{۱۴} طبیعی است کسی که بر اثر ندانستن و عدم بصیرت کافی، راه اشتباهی را چند بار تکرار کند و نداند در حال اشتباه است و به همین دلیل به نتیجه دلخواهش نرسد، ناامید و مأیوس می‌شود و دیگر اعتقادش را از دست می‌دهد.^{۱۵}

مقصد

نتیجه تکیه به وعده‌های الهی:

۱- در نگرش و اعتقاد:

تقویت ایمان و یقین

انسان مؤمن با تکیه به وعده‌های الهی و دیدن نتایج آن‌ها، نور یقین در قلبش می‌تابد و در مقاطع دیگر امتحانات الهی نیز با اعتقاد بیشتری دل به وعده‌های الهی می‌سپارد.^{۱۶}

۲- در گرایش و احساس:

الف - احساس شجاعت و شهامت

کسی که روی امداد و مدد الهی، بر اساس وعده نصرت حق تعالی حساب می‌کند، دیگر ترس و وحشت^{۱۷} برای او معنا ندارد؛ مانند پسری که از تاریکی می‌ترسد، اما وقتی دستش در دست پدرش است، دیگر هیچ چیز او را نمی‌ترساند.

ب - احساس امنیت و آرامش

سکینه و آرامشی که در اولیاء خدا دیده می‌شود، محصول و نتیجه اعتماد و اتکای آن‌ها به قدرت لایزال حضرت حق جل اسمه است. حضرت امام خمینی رحمه الله چنان آرامشی دارد که انگار نه انگار در کشور انقلابی صورت گرفته است. او اطمینان دارد که وعده نصرت الهی محقق خواهد شد.

۳- در رفتار:

تلاش حداکثری

انسان هر چه مؤمن تر و به ضمانت‌های الهی ایمان بیشتری داشته باشد، تلاش بیشتری می‌کند، مانند امیرالمؤمنین علیه السلام که در کتاب مسند احمد حنبل در روایتی^{۱۸} می‌گوید: صدقه مال علی علیه السلام، بیش از چهل هزار دینار بود.^{۱۹}

تلاش حداکثری حضرت بر اساس دستورات دین، برگرفته از ایمان عالی ایشان به حضرت حق و وعده‌های خداوند است. مانند مشاور تحصیلی (که علم دارد، محبت و قدرت دارد) وقتی

به دانش آموز پشت‌کنکوری می‌گوید: اگر بر اساس برنامه‌ای که به تومی دهم عمل کنی حتماً به نتیجه قبولی می‌رسی. عمل کردن به برنامه با تلاش حداکثری بعلاوه ایمان به تجربه و مهارت مشاور، او را به رسیدن به موفقیت مطمئن می‌کند.

خلاصه:

در این طرح بحث مبدأ را با چند مثال شروع می‌کنیم و بعد تقابل وعده‌های الهی با وعده‌های غیر الهی را توضیح می‌دهیم و اثبات می‌کنیم که وعده‌های الهی قابل تضمین هستند. در مسیر برای بهره‌مندی از وعده‌های الهی باید‌هایی را باید در نظر گرفت و نباید‌هایی را ترک کرد. در مقصد می‌گوییم که نتیجه تکیه به وعده‌های الهی در نگرش، گرایش و رفتار چیست؟



۱. چون خدا صفات ذیل را دارد وعده‌های او دارای ضمانت هستند و به دلیل اینکه عکس این صفات برای دشمنان ثابت می‌باشد، وعده و وعیدشان به جایی نمی‌رسد. - عزت از آن خداست (إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا). یونس، ۶۵.
- روزی به دست خداست (إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ). آل عمران، ۳۷.
- مرگ و حیات بدست اوست (هُوَ يُحْيِي وَ يُمِيتُ). یونس، ۵۶.
- او بر هر چیزی تواناست (وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ). حدید، ۲.
۲. یا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ. فاطر، ۱۵.
۳. در انتخابات دیده می‌شود که کاندیداها وعده‌هایی می‌دهند. ببینیم اگر این وعده‌های با پشتوانه الهی است و به خدا منتهی می‌شود قابل اعتمادند و اگر وعده‌ها به شخص و توانایی‌های فردی و جناحی گره خورده‌اند، قابل اعتماد نیستند. در کلمات پیامبران و اولیاء خدا دیده نمی‌شود که برای کارهایی که بندگان انجام می‌دهند منشأ پاداش غیر از خدا باشد و برعکس در وعده و وعیدهای حزب الشیطان منشأ وعده‌ها، پول و قدرت پوشالی و مقطعی‌شان است.
۴. إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا. فاطر، ۲۴.
۵. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۲، ص ۳۲۰.
۶. فَوَسَّوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَ مُلْكٍ لَّا يَبْلَى. طه، ۱۲۰.
۷. وَ زَيَّنَّ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ. عنكبوت، ۳۶.
۸. ابراهیم، ۲۲.
۹. وَ أَنْكَبُوا الْأَيَّامِ مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ. نور، ۳۲.
۱۰. رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَخِيًا أَمْرًا، يَا خَيْثَمَةَ! أَلْبَلِغَ مَوَالِينَا أَنَّا لَسْنَا نَغْنَى عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِلَّا بِعَمَلٍ، وَ أَنَّهُمْ لَنْ يَنَالُوا وَ لَا يَتَنَا إِلَّا بِوَرَعٍ، وَ أَنْ أَعْظَمَ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ خَالَفَهُ إِلَى غَيْرِهِ. الأصول الستة عشر (ط - دار الحديث)، ص ۲۴۷.
- یا عَبْدُ الْحَمِيدِ، أَرَى مِنْ حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَى اللَّهِ لَاجِعًا اللَّهُ لَهُ مَخْرَجًا بَلَى وَ اللَّهُ، لِيَجْعَلَ اللَّهُ لَهُ مَخْرَجًا، رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَخِيًا أَمْرًا. کافی (ط - دار الحديث)، ج ۱۵، ص ۲۰۱.
۱۱. وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ. طلاق، ۲-۳.
۱۲. عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ عَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَ اللَّهُ يُعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ. بقره، ۲۱۶.
۱۳. نور، ۲۶.

۱۴. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: مَنْ أَكَلَ لُقْمَةً حَرَامًا لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَ لَمْ تُسْتَجَبْ لَهُ دَعْوَةٌ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۶۳، ص ۳۱۴.

۱۵. یکی از مواردی که دشمنان دین سعی دارند، با رواج آن موجبات بدبینی مردم نسبت به دین را فراهم کنند، اذکار و اورادی است که بدون توضیح در مورد دیگر شرایط استجاب دعا، در میان مردم منتشر می‌کنند و فرد با انجام آن به نتیجه نمی‌رسد و در نتیجه نسبت به اصل دین احساس بدبینی به او دست می‌دهد.

۱۶. از باب تأثیر عمل بر اعتقاد؛ هنگامی که عملی را انجام می‌دهم و به نتیجه می‌رسم، ایمانم بیشتر می‌شود.

۱۷. أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. یونس، ۱۲

۱۸. ابن حنبل، احمد، مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۱۳۶۸، ابن حنبل، فضائل الصحابة، ج ۲، ص ۷۱۲، ح. ۱۲۱۸

۱۹. هر دینار معادل ۱۸ نخود طلاست بنابراین ۴۰ هزار دینار معادل ۳۰ هزار مثقال طلا می‌باشد و اگر طلا را به حداقل قیمت روز، یعنی هر مثقال ۱۶۰,۰۰۰ ریال فرض کنیم، درآمد سالانه اوقاف آن حضرت معادل ۴,۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال بوده است.